
چهل
حدیث سیره نبوی


بسم الله الرحمن الرحیم

چهل حدیث سیره نبوی (ع)

نویسنده:

جعفر شریعتمداری

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا ، بی نا)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست ---- ۵

چهل حدیث سیره نبوی ---- ۷

مشخصات کتاب ---- ۷

معرفی اجمالی پیامبر اکرم ---- ۷

مقدمه ---- ۷

بندگی ---- ۹

سجود ---- ۱۰

جاذبه نماز ---- ۱۰

آهنگ قرآن ---- ۱۰

گریه در نماز ---- ۱۰

باامت ---- ۱۰

ادب با همنشین ---- ۱۰

ادب گوش دادن ---- ۱۰

ادب نشستن ---- ۱۱

بامهمان ---- ۱۱

مصافحه ---- ۱۱

خوش خلقی ---- ۱۱

گفتار ---- ۱۱

خوراک ---- ۱۱

شوخی ---- ۱۲

خوردن به اندازه ---- ۱۲

غذای جمعی ---- ۱۲

سخن به اندازه فهم مردم ---- ۱۲

عدالت در نگاه ---- ۱۲

عاطفه ---------- ۱۲

خشم برای خدا ---------- ۱۳

مسواک ---------- ۱۳

تنظیم وقت ---------- ۱۳

حفظ زبان ---------- ۱۳

ارزشهای اخلاقی ---------- ۱۳

فرزند دختر ---------- ۱۳

رو به قبله ---------- ۱۴

تواضع ---------- ۱۴

آراستگی ---------- ۱۴

لبخند در سخن ---------- ۱۴

راه رفتن ---------- ۱۴

ساده زیستی ---------- ۱۴

شجاعت ---------- ۱۵

شکر ---------- ۱۵

مجلس پیامبر ---------- ۱۵

در جمع یاران ---------- ۱۵

عطر ---------- ۱۵

مردمداری ---------- ۱۵

فروتنی ---------- ۱۵

غمزدایی از اصحاب ---------- ۱۶

گذری بر سیره اخلاقی پیامبر ---------- ۱۶

درباره مرکز ---------- ۲۰

چهل حدیث سیره نبوی

مشخصات کتاب

نویسنده : جعفر شریعتمداری

ناشر : جعفر شریعتمداری

معرفی اجمالی پیامبر اکرم

رسول گرامی اسلام حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله وسلم در روز جمعه ۱۷ ربیع الاول عام الفیل (۵۷۰ میلادی) در مکه به دنیا آمد و در ۲۸ صفر سال ۱۱ هجری در مدینه رحلت نمود. مدت عمر آنحضرت ۶۳ سال و قبرشان در مدینه است.مادرش آمنه بنت وهب و پدر بزرگوارش عبدالله فرزند عبد المطلب بود. پدر را قبل از تولد و مادر را در سن ۵ سالگی از دست داد و سرپرستی او راعبدالمطلب و سپس ابو طالب به عهده گرفت.در سن ۲۵ سالگی با خدیجه ازدواج کرد و ثمره آن دو پسر و چهار دختر بود.در سن ۴۰ سالگی در ۲۷ رجب سال ۴۰ عام الفیل به پیامبری مبعوث شد. مدت پیامبری حضرت ۲۳ سال به طول انجامید و در این مدت آخرین هدیه الهی به بشریت قرآن کریم بر قلب مبارکش نازل و بر زبان گهر بارش جاری گشت.

مقدمه

امام سجاد علیه السلام فرمود:«الا و ان ابغض الناس الی الله من یقتدی بسنه امام و لا یقتدی بأعماله.»هشدار که منفورترین مردم نزد پروردگار, کسی است که شیوه امامی را پیروی کند ولی از سیره عملی او پیروی ننماید.برای«چگونه بودن»نیاز به الگو داریم و نقش الگو در تربیت چنان روشن است که نیازی به بیان و توضیح نیست.آنچه در این الگوگیری و اسوه یابی و تأسی به اخلاق اولیاء کارساز است,آشنایی با جزئیات صفات و رفتار آن حضرات است, نه کلیات.خوشبختانه در کتب حدیث و سیره, نمونه های رفتاری پیامبر و امامان بصورت ریز وجزئی آمده است که آشنایی با آنها بسیار سودمند است و گامی جهت خودسازی و

تعالی بخشیدن به جامعه است انسان در دید ژرف نگر, اسلام, بیابان گردی سرگردان و گمگشته ای درتاریکزار زندگی نیست. او کشتی شکسته ای شور بخت و ناامید و اسیرموجهای بیمزا و هراس آفرین نمیباشد.بلکه موجودی مسؤول است که با مقصد و مقصودی مشخص, با زاد وتوشه ای کامل و راهنمایانی درونی و برونی به سفری پرداخته که از صحرای عدم آغاز میشود و تا بار یافتن به لقاء الهی ادامه دارد.تمامی نیروهای خلقت, انسان را در این سفر صادقانه یاری میکنند و خدا با لطف بیکران خویش به هدایت او از راههای گوناگون پرداخته است وبهترین جایگاه جاودانه را در سرای آخرت برای او مهیا کرده است.انسان برای به دست آوردن نیک بختی خویش و سعادتمندی جامعه و رضایت خداوند باید در طول این سفر چگونه زیستن را بیاموزد و این آموزه ها را در زندگی خویش بکار گمارد.اسلام عزیز برای پاسخگویی بدین سؤال بسیار اساسی دو شیوه را دنبال نموده است:الف: بیان احکام و دستورهای زندگی از آغاز تا فرجامب: ارائه الگوهای تربیتی و نمونه های عینی کمال بر اساس همین شیوه دوم در قرآن مجید بارها از پیامبران و دیگر انسانهای والا سخن به میان آمده است, و از جنبه های الگویی آنان ستایش شده تا دیگران نیز به آنان تأسی بجویند.در مکتب حیاتبخش تشیع(اسلام راستین)معرفی این الگوهای الهی گسترده تر است و پیشوایان معصوم که بهترین اسوه ها و الگوهای زندگی هستند فرا روی چشمان باز و دلهای آگاه قرار دارند تا آنانکه مسئولیت الهی و رسالت انسانی خویش را درک کرده اند و تصمیم برای رسیدن به چکادهای فرازمند فضیلت

و کمال دارنـد با درس گرفتن از آنان زیسـتنی شـرافتمندانه که سـعادت دنیا و آخرت را تأمین میکند در پیشـگیرند.رسول خدا صلی الله علیه و آله و سـلم و امامـان معصوم علیه السـلام اسوهبشـریتاند و تبعیت عملی از آنان رهنمون کمالجویان است.پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله و سـلم فرمود:«ادبنی ربی فاحسن تأدیبی»خداوند مرا تأدیب کرده و ادبم را نیکو ساخته است.ویژگی سیره معصومین در این است که مورد پسـند و قبول پروردگـار است وبا اطمینان میتوان از آن پیروی کرد.اکنون به عنوان نمونه ای از دریای مواج و گرانقـدر روایات, چهل حدیث ازسیره هر یک از معصومین علیه السـلام به پیشـگاه امت اسـلامی عرضـه میشـود. امیـد که همه مـا را چراغ راه و ره تـوشه سـفری باشـد بـاری رسـیدن به سـعادت دنیـا و نیکبخـتی آخرت.در این چهل حـدیث, از میـان انبوه روایـات مربوط به سـیره پیامبرصـلی الله علیه و آله به گزینش پرداخته ایم و از آن بوسـتان بـا صـفا و دل انگیز, دسـته گلی برای شـما چیـده و ارمغـان آورده ایم, باشـد که مطـالعه آن, چشم دلمـان را روشـنتر سـازد و رفتار حضـرت رسالت, الگوی زیستن ما شود و رشته جانمان به عشق نبوی پیوسته تر گردد, تا از این راه به آن «حبیب خدا»نزدیکتر شویم.قال الله تبـارک و تعـالی:«لقـد کان لکم فی رسول الله اسوه حسـنه»(احزاب, آیه ۲)برای شـما در پیامبر خدا(و رفتار و اخلاق او)سـر مشقی نیکوست.

بندگی

قال الصادق علیه السـلام:«کان رسول الله صـلی الله علیه و آله و سـلم یأکل اکل العبـد و یجلس جلسه العبد و یعلم أنه عبد.»امام صادق علیه السلام فرمود:پیامبر اکرم صلی الله علیه و

آله و سلم مانند بنده غذا میخورد و مانند بنده مینشست و میدانست که بنده است.بحارالانوار, ج ۱۶, ص ۲۶۲.

سجود

قال الباقر علیه السلام:«ما استیقظ رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم من نوم الاخر لله ساجدا.»امام باقر علیه السلام فرمود:هیچگاه پیامبر خدا از خواب بیدار نشد, مگر اینکه سر به خاک نهاده, برای خدا سجده میکرد.مکارم الاخلاق, ص ۳۹.

جاذبه نماز

قال علی علیه السلام:«کان رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم لا یؤثر علی الصلوه عشاء و لاغیره و کان اذا دخل وقتها کانه لا یعرف اهلا و لا حمیما.»امام علی علیه السلام فرمود:رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم هیچ چیز را, نه شام و نه غیر آنرا بر نماز مقدم نمیداشت. هرگاه وقت نماز فرا میرسید, رسول خدا دیگر نه خانواده میشناخت و نه دوست.سنن النبی, ص ۲۶۸.

آهنگ قرآن

قال الباقر علیه السلام:«ان رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم کان احسن الناس صوتا بالقران.»امام باقر علیه السلام فرمود:پیامبر اسلام, از همه مردم زیباتر و خوش آهنگ تر قرآن میخواند.سنن النبی, ص ۳۱۱.

گریه در نماز

قال السجاد علیه السلام:«کان یبکی حتی یبتل مصلاه خشیه من الله عزوجل من غیر جرم.»امام سجاد علیه السلام:رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در نماز, آن قدر گریه میکرد تا آنکه جانمازش تر میشد, این بخاطر خوف از خدا بود, بی آنکه جرمی داشته باشد.سنن النبی, ص ۳۲.

باامت

قال انس بن مالک: «کان رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم یعود المریض و یتبع الجنازه ویجیب دعوه المملوک.»انس بن مالک گوید:پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به عیادت مریض و تشییع جنازه میرفت ودعوت برده را میپذیرفت.مکارم الاخلاق, ص ۱۵.

ادب با همنشین

قال علی علیه السلام: «ما رئی مقدما رجله بین یدی جلیس له قط»علی علیه السلام میفرماید:هرگز دیده نشد که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله پای خود را پیش کسی دراز کند.بحارالانوار, ج ۱۶, ص ۲۳۶.

ادب گوش دادن

قال علی علیه السلام:«لا یقطع علی احد کلامه حتی یجوز فی قطعه بنهی او قیام.»امام علی علیه السلام فرمود:پیامبر هرگز سخن

کســی را قطـع نمیکرد, مگر آنگــاه کـه بیش از حــد حرف بزنــد(یــا از مشــروع, فراتر رود)آن وقـت او را نهی میکرد یابرمیخاست.سنن النبی, ص ۱۸.

ادب نشستن

قـال علی علیه السـلام:«کان صـلی الله علیه و آله لا یجلس و لا یقوم الا علی ذکر الله و لا یوطن الاماکن و ینهی عن ایطانها و اذا انتهی الی قوم جلس حیث ینتهی به المجلس و یأمر بـذلک.»علی علیه السـلام فرمود:نشسـتن و بر خاسـتن رسول خـدا صـلی الله علیه و آله و سـلم با یاد خـدا بود. در مجالس جای مخصوصـی برای خود انتخاب نمیکرد و از این کار نهی میفرمود. هر گاه به جمعی میپیوست, هر جا که خالی بود مینشست و به این کار نیز دستور میداد.سنن النبی, ص ۱۶.

بامهمان

قال الکاظم علیه السـلام:«ان رسول الله صـلی الله علیه و آله اذا اتاه الضیف اکل معه و لم یرفع یده من الخوان حتی یرفع الضیف یـده.»امام کاظم علیه السـلام فرمود:رسول خـدا صـلی الله علیه و آله هر گاه مهمان داشت, با او غذا میخورد ودست از سـفره و غذا نمیکشید, تا آن که مهمان دست از غذا خوردن بکشد.سنن النبی, ص ۶۷.

مصافحه

قـال الصادق علیه السـلام:«ما صافـح رسول الله صـلی الله علیه و آله رجلا قط فنزع یـده حتی یکون هو الـذی ینزع یـده منه.»امام صادق علیه السـلام فرمود:رسول خدا صـلی الله علیه و آله و سـلم هرگز با کسـی دست نداد که دستش را عقب بکشد مگر آن که طرف مقابل دست خود را عقب ببرد.بحارالانوار, ج ۱۶, ص ۲۶۹.

خوش خلقی

قال علی علیه السلام:«کان رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم , دائم البشر, سهل الخلق, لین الجانب, لیس بفظ و لا غلیظ.»امام علی علیه السـلام فرمـود:رسـول خـدا صـلی الله علیه و آله و سـلم همـواره خوشـرو, خوش خو و نرم بود, خشن و درشت خوی نبود.مکارم الاخلاق, ص ۱۴.

گفتار

قـال علی علیه السـلام:«کـان صـلی الله علیه و آله و سـلم لا یـذم احـدا و لا یعیره و لا یطلب عثراته و لاعورته و لا یتکلم الا فیما رجی ثوابه.»امام علی علیه السلام فرمود:آن حضـرت هرگز کسـی را مذمت نمیکرد, و در پی لغزشها و عیوب و اسرار دیگران نبود و سخن نمیگفت مگر آنجا که امید ثواب داشت.سنن النبی, ص ۱۷.

خوراک

قـال الصادق علیه السـلام:«مازال طعام رسول الله صـلی الله علیه و آله و سـلم الشـعیر حتی قبضه الله الیه.»امام صادق علیه السـلام

فرمود:رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم تا روز وفات خود, همواره طعامش نان جو بود.سنن النبی, ص ۴۹.

شوخی

قال الصادق علیه السلام:«کان رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم یداعب و لا یقول الا حقا.»امام صادق علیه السلام فرمود:رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شوخی و مزاح میکرد, ولی جز حق چیزی نمیگفت.بحار الانوار, ج ۱۶, ص ۲۴۴.

خوردن به اندازه

قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم:«نحن قوم لا نأکل حتی نجوع و اذا اکلنا لا نشبع.»پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:ما جمعیتی هستیم که تا کاملا گرسنه نشویم غذا نمیخوریم و چون میخوریم, خود را کاملا سیر نمیکنیم.سنن النبی, ص ۱۸۱.

غذای جمعی

قال الصادق علیه السلام:«کان رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم اذا اکل مع القوم طعاما کان اول من یضع یده و اخر من یرفعها لیأکل القوم.»امام صادق علیه السلام فرمود:پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم هرگاه در جمع مردم غذا میخورد,اولین کسی بود که دست به غذا دراز میکرد و آخرین فردی بود که دست ازغذا میکشید تا دیگران بخورند.سنن النبی, ص ۱۶۶.

سخن به اندازه فهم مردم

قال الصادق علیه السلام:«ما کلم رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم العباد بکنه عقله قط, قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: انا معاشر الانبیاء امرنا ان نکلم الناس علی قدر عقولهم.»امام صادق علیه السلام فرمود:رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم هرگز با مردم به اندازه عقل خود سخن نگفته و فرموده: ما پیامبران مأموریم که با مردم به اندازه عقل و فهمشان سخن بگوییم. سنن النبی, ص ۵۷.

عدالت در نگاه

قال الصادق علیه السلام:«کان رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم یقسم لحظاته بین اصحابه فینظر الی ذا و ینظر الی ذا بالسویه.»امام صادق علیه السلام فرمود:رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نگاه هایش را بین اصحابش تقسیم میکرد و به این و آن یکسان نگاه میکرد.اصول کافی, ج ۲, ص ۶۷۱.

عاطفه

قال الباقر علیه السلام:«کان رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم یسمع صوت الصبی یبکی و هوفی الصلوه فیخفف الصلوه فتصیر الیه امه.»امام باقر علیه السلام:هرگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در نماز, صدای گریه کودکی را میشنید,

نمازش را سبکتر میخواند تا مادر آن کودک«که در نمازجماعت بود»به بچه رسیدگی کند.سنن النبی, ص ۲۷۳.

خشم برای خدا

قال علی علیه السلام:«ما انتصر لنفسه من مظلمه حتی ینتهک محارم الله فیکون حینئذ غضبه لله تبارک و تعالی.»امام علی علیه السلام فرمود:رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از ستمی که به خود او میشد انتقام نمیگرفت, مگر آن که حریم الهی هتك شود, که در آن صورت خشم میکرد و غضبش برای خدا بود.سنن النبی, ص ۴۵.

مسواک

قال الصادق علیه السلام:«انه صلی الله علیه و آله و سلم کان یستاک فی کل مره قام من نومه.»امام صادق علیه السلام فرمود:رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم هر بار که از خواب بر میخاست,مسواك میزد.سنن النبی, ص ۲۲۲.

تنظیم وقت

قال علی علیه السلام:«کان اذا اوی الی منزله جزء دخوله ثلاثه اجزاء: جزءا لله عزوجل , وجزءا لأهله و جزءا لنفسه.»امام علی علیه السلام فرمود:پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم , وقتی به خانه خویش میرفت اوقاتش را سه قسمت میکرد: بخشی برای خدای متعال, بخشی مخصوص خانواده و بخشی هم برای کارهای شخصی خود.مکارم الاخلاق, ص ۱۳.

حفظ زبان

قال علی علیه السلام:«کان رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم , یحزن لسانه الا عما کان یعنیه و یؤلفهم و لا ینفرهم.»امام علی علیه السلام فرمود:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم زبان خویش را از غیر سخنان مورد نیاز باز میداشت و کلامش را الفت میبخشید و آنان را دور و بیزار نمیساخت.سنن النبی, ص ۱۵.

ارزشهای اخلاقی

قال علی علیه السلام:«کان اجواد الناس کفا و اجرء الناس صدرا و اصدق الناس لهجه و اوفی الناس ذمه و الینهم عریکه و اکرمهم عشره.«امام علی علیه السلام فرمود:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از همه مردم بخشندهتر, با جرأتتر,راستگوتر, وفادارتر, خوش اخلاقتر و نیکو رفتارتر بود.بحارالانوار, ج ۱۶, ص ۱۹۴.

فرزند دختر

قال علی علیه السلام:«کان رسول الله صلی الله علیه و آله اذا بشر بجاریه قال: ریحانه, ورزقها علیالله.»امام علی علیه السلام فرمود:هرگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله را به ولادت دختری مژده میدادند,میفرمود: ریحان و دسته گل است و روزی او بر خداست.سنن النبی صلی الله علیه و آله ص ۸۰.

رو به قبله

قال الصادق علیه السلام:«کان رسول الله صلی الله علیه و آله اکثر ما یجلس تجاه القبله.»امام صادق علیه السلام فرمود:رسول خدا صلی الله علیه و آله بیشتر اوقات, رو به طرف قبله مینشست.مکارم الاخلاق, ص ۲۶.

تواضع

قال الباقر علیه السلام:«قال رسول الله صلی الله علیه و آله خمس لا ـ ادعهن حتی الممات: الأکل علی الحضیض مع العبید. و رکوبی الحمار مؤکفا و حلبی العنز بیدی و لبس الصوف و التسلیم علی الصبیان لتکون سنه من بعدی.»امام باقر علیه السلام فرمود:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: از پنج کار تا هنگام مرگ دست برنمیدارم:(به نشانه تواضع)۱ غذا خوردن روی زمین با بردگان۲ سوار شدن بر الاغ بی پالان۳ بز را با دست خود دوشیدن۴ لباس پشمیه پوشیدن۵ به کودکان سلام کردنتا این که بعد از من سنت شود.بحارالانوار, ج ۱۶, ص ۲۱۵.

آراستگی

قال علی علیه السلام:«کان رسول الله صلی الله علیه و آله یرجل شعره و اکثر ما کان یرجل شعره بالماء.»امام علی علیه السلام فرمود:حضرت رسول صلی الله علیه و آله همواره موهای خود را شانه میزد وبیشتر اوقات, موی خود را با آب صاف میکرد و شانه میزد.سنن النبی, ص ۹۱.

لبخند در سخن

عن ابی الدردآء:«کان رسول الله صلی الله علیه و آله, اذا حدث بحدیث تبسم فی حدیثه.»ابو درداء روایت کرده است:حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله هرگاه سخنی میگفت در کلامش تبسم مینمود و لبخند میزد.مکارم الاخلاق, ص ۲۱.

راه رفتن

عن ابن عباس:«کان رسول الله صلی الله علیه و آله اذا مشی, مشیا یعرف انه لیس بمشی عاجز و لا بکسلان.»ابن عباس نقل کرده است:پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام راه رفتن, چنان با نشاط راه میرفت که معلوم میشد راه رفتن انسان ناتوان و خسته نیست.بحار الانوار, ج ۱۶, ص ۳۲۶.

ساده زیستی

قال علی علیه السلام:«لقد کان رسول الله صلی الله علیه و آله یأکل علی الارض و یجلس جلسه العبد و یخصف بیده نعله و یرقع بیده ثوبه و یرکب الحمار العاری و یردف خلفه.»امام علی علیه السلام فرمود:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله روی زمین غذا میخورد و مانند بندگان دو زانو مینشست و با دست خویش کفش و لباس خود را وصله میزد ومیدوخت و بر الاغ بی پالان سوار میشد و کسی را هم در ردیف خود سوار میکرد.نهج البلاغه فیض الاسلام, خطبه ۱۹۵.

شجاعت

قال علی علیه السلام«کنا اذا احمر البأس و لقی العدو القوم, اتقینا برسول الله صلی الله علیه و آله فما یکون احد اقرب الی العدو منه.»علی علیه السلام فرمود:وقتی که آتش جنگ برافروخته میشد و دو لشگر به هم میرسیدند, همه ما به پیامبر اسلام پناهنده میشدیم و کسی نبود که از آن حضرت به دشمن نزدیکتر باشد.محجه البیضاء, ج ۴, ص ۱۵۱.

شکر

قال الصادق علیه السلام«کان رسول الله صلی الله علیه و آله یحمد الله فی کل یوم ثلاث مأه و ستین مرده.»امام صادق علیه السلام فرمود:رسول خدا صلی الله علیه و آله هر روز سیصد و شصت بار خدا را حمد میکرد.بحار الانوار, ج ۱۶, ص ۲۵۷.

مجلس پیامبر

قال علی علیه السلام«اذا تکلم اطرق جلساؤه کانما علی رؤسهم الطیر فاذا سکت تکلموا, ولایتنازعون عنده الحدیث, من تکلم انصتوا حتی یفرغ.»امام علی علیه السلام فرمود:وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله سخن میگفت حاضران سرا پا گوش بودند, گویی بر سرهایشان پرنده نشسته است. و وقتی ساکت میشد اصحاب سخن میگفتند. در حضور او, در سخن نزاع نمیکردند. هر کس سخن میگفت گوش میکردند تا تمام کند.مکارم الاخلاق, ص ۱۵.

در جمع یاران

قال ابوذر:«کان رسول الله صلی الله علیه و آله یجلس بین ظهرانی اصحابه فیجیء الغریب فلایدری ایهم هو حتی یسأل.»ابوذر غفاری گوید:حضرت رسول صلی الله علیه و آله در میان اصحاب خویش مینشست.هرگاه غریب و ناشناسی میآمد, نمیشناخت که حضرت محمد کدام یک از آنان است, تا آن که بپرسد.مکارم الاخلاق, ص ۱۶.

عطر

قال الصادق علیه السلام«کان رسول الله صلی الله علیه و آله ینفق علی الطیب اکثر مما ینفق علی الطعام.»امام صادق علیه السلام فرمود:رسول خدا صلی الله علیه و آله برای عطریات بیش از غذا خرج میکرد. بحار الانوار, ج ۱۶, ص ۲۴۸.

مردمداری

عن انس:«کان رسول الله صلی الله علیه و آله اذا فقد الرجل من اخوانه ثلاثه ایام سأل عنه, فان کان غائبا, دعالهو ان کان شاهدا, زارهو ان کان مریضا, عاده.»انس«خدمتکار پیامبر صلی الله علیه و آله»میگوید:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هرگاه یکی از اصحاب خود را سه روز نمیدید از حال او جویا میشد.اگر غایب بود, دعایش میکرد.و اگر در شهر بود به دیدارش میرفت.و اگر بیمار بود به عیادتش میشتافت.مکارم الاخلاق, ص ۱۹.

فروتنی

قال الصادق علیه السلام«ما اکل رسول الله صلی الله علیه و آله متکئا منذ بعثه الله عزوجل نبیا حتی قبضه الله الیه, متواضعا له عزوجل.»امام صادق علیه السلام فرمود:پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هرگز از آغاز بعثت تا رحلت, در حال تکیه دادن غذا نخورد(آنگونه که رسم سلاطین بود)و این از روی تواضع در برابرخدا بود.بحارالانوار, ج ۱۶, ص ۲۴۲.

غمزدایی از اصحاب

قال علی علیه السلام«کان رسول الله صلی الله علیه و آله لیسر الرجل من اصحابه اذا رأء مغموما بالمداعبه و کان علیه السلام یقول: ان الله یبغض المعبس فی وجه اخوانه.»حضرت علی علیه السلام فرمود:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله همیشه هر یک از اصحاب را غمگین میدید, با شوخی او را خوشحال میکرد و میفرمود: خداوند, کسی را که با برادرانش با ترشرویی و چهره عبوس روبرو شود, دشمن میدارد.سنن النبی, ص ۱۶.

گذری بر سیره اخلاقی پیامبر

یا رسول الله! کلامت, روشن و فصیح بود. و فراخور عقل و درک مخاطب سخن میگفتی, گاهی سخن را سه بار تکرار میکردی, تا طرف خوب بفهمد. هنگام سخن, کلام را با لبخند می آمیختی, هرگز سخن کسی را قطع نمیکردی, زبان به بدگویی و عیبجویی از دیگران نمیگشودی. صدایت که میکردند, میگفتی, لبیک! خطبه هایت, از همه کوتاهتر, ولی پرمایه تر بود. زبانت را از آنچه بی مورد و بیهوده بود, فرو میبستی همواره خدا را یاد میکردی و استغفار بر زبان داشتی, چیزی میگفتی دلها را به هم الفت دهد, نه آنکه میانه ها را به هم بزند, با کسی مجادله و جر و بحث نمیکردی, هنگامی که سخن میگفتی, همه ساکت بودند, آنچنان که گویی بر سرشان پرنده نشسته است, سراپا گوش! نزد تو نزاع لفظی نمیکردند, به سخن دیگران, خوب گوش میکردی. محکم و استوار راه میرفتی, گام برداشتنت, چنان بود که نشان میداد ناتوان و کسل نیستی! آنچنان که گویی سنگی از سرازیری میغلطد, با مهابت و چالاک! وقتی سواره بودی, اجازه نمیدادی دیگران, پیاده پا به پایت راه آیند. یا سوار بر مرکب میکردی

یا بر سر موعدی, قرار میگذاشتی. از گذرگاهی که عبور میکردی, عطرت نشان میداد که از آنجا گذشته ای. از هر جامیگذشتی سنگها و درختان, تعظیمت میکردند. در سفرها آخرهای جمعیت راه میرفتی, تا اگر کسی درماند, یا کمک خواست. کمکش کنی. گاهی سوار اسب میشدی. گاهی بر قاطر و الاغ سوار میشدی, یا بر شتر, وگاهی نیز پیاده! سواره که بودی, دیگران را هم بر ترک مینشاندی. اوقات داخل خانه را به سه قسمت تقسیم میکردی: بخشی برای نیایش و عبادت و برای خدا, قسمتی برای خانواده و بخش دیگری برای کارهای شخصی خود. در خانه, با خانواده همکاری میکردی, گوشت میبریدی, شیرمیدوشیدی, لباس وصله میزدی, هر غذایی که میپختند, میخوردی, ازطعامی بد نمیگفتی, در را میگشودی, کفش خود را میدوختی. بر زمین مینشستی و بر زمین غذا میخوردی, به خدمتکار خانه وقتی خسته میشد کمک میکردی, زیر اندازت عبایی بود و بالشی از پوست, پرشده از لیف خرما! بر حصیر میخوابیدی, هنگام خواب, مسواک میزدی و دعا میخواندی و چون از خواب بر میخاستی, خدا را سجده میکردی. کار مراجعه کنندگان را راه میانداختی, نیازمندان و سائلی را دست خالی رد نمیکردی. بنده شکور خدا بودی. نور چشمانت«نماز»بود. وقتی به نمازمی ایستادی, از خوف خدا رنگ از چهره ات میپرید. در سینه, ناله های سوزناك و آوای حزینی داشتی. هنگام سجود, چنان بر زمین میچسبیدی,که گویا جامه ای بر زمین افتاده است. وقت نماز که میرسید, دیگر کسی را نمیشناختی و به چیزی توجه نداشتی جز به نماز! به نماز عشق میورزیدی. فرا رسیدن«وقت»نماز را انتظار میکشیدی, و هنگام نماز که میشد,میگفتی: ای

بلال! خوشحالمان کن, هیچ چیز را بر نماز مقدم نمیداشتی. میفرمود(به ابوذر): خداوند, فروغ دیدگانم را در نماز قرار داده است.آنگونه که گرسنه, غذا را دوست میدارد و تشنه آب را, من هم شیفته نمازم. با این تفاوت که گرسنه و تشنه, سیر و سیراب میشود, اما من از نماز, سیر نمیشوم. رکوعها و سجودهای طولانی داشتی. به خدا عرضه میداشتی: پروردگارا! دوست دارم یک روز سیر باشم و شکرت کنم, روز دیگر گرسنه باشم تا از تو سؤال کنم. نشست و برخاستت, همراه با«ذکر خدا»بود. با آنکه «معصوم»بودی, ولی آن قدر از خشیت خدا میگریستی که مصلا و سجده گاهت خیس میشد. هنگام دعا, همچون مسکینان نیازمند دستها را بالا میگرفتی. «بنده خدا»بودی. یک بار که بر زمین نشسته و با دست غذا میخوردی. زنی گفت: یا رسول الله, چرا مانند بندگان نشسته و غذا میخوری؟ و...فرمودی: وای بر تو! چه کسی بنده تر از من است؟ تو عبد خدا و رسول او بودی. چهره ات گشاده بود و خوش رو. به هر کس میرسیدی سلام میگفتی. با هر که دست میدادی, آن قدر صبر میکردی که او دستش را بکشد. به صورت کسی خیره نمیشدی. به هیچ کس, دشنام و ناسزا نمیگفتی. بر تند خویی و بداخلاقی دیگران صبر میکردی. هدیه مردم و دعوت بردگان را میپذیرفتی, به عیادت بیماران و تشییع جنازه میرفتی. از اصحاب, تفقد واحوالپرسی میکردی. دیر غضبناک میشدی, زود میبخشیدی, از همه بیشتر عذرپذیر بودی. با بینوایان محروم, هم غذا و همنشین میشدی. پیش دیگران, پایت را دراز نمیکردی, مزاح و شوخی میکردی ولی جز«حق»نمیگفتی. با یاران, حلقه وار

مینشستی. خود را برای اصحاب می آراستی و عطر میزدی. باری بر دوش مردم نبودی. در کارهای اجتماعی مشارکت داشتی. بخشنده و سخی بودی. چیزی را از خواستاران مضایقه نمیکردی. به بزرگ هر قومی احترام میکردی. آری.... ای رسول خدا! وفای به عهد, صدق و راستی, امانت و محبت از ویژگیهای تو بود. از مهمان کار نمیکشیدی, خلف وعده نداشتی, مردمدار و اهل مدارا بودی, سعه صدر و وسعت نظر داشتی, اخلاقت قرآن بود! قرآن مجسم بودی و آیات عینیت یافته کلام الله!

درباره مرکز

بسمه تعالی
هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ
آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟
سوره زمر/ ۹

مقدمه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:
۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:
۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲.ارتباط با مراکز هم سو
۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹